

بسیاری از داروهای مورد استفاده بدون نسخه از جمله داروی ضد سرکه، سرماخوردگی، آنفلوآنزا و زکام باعث گیجی ناخواسته می‌شوند که ممکن است رانندگی را با مشکل روبه رو کند.

ارایه بیش از ۱۵ هزار و ۵۰۰ مورد خدمات درمانی به حجاج ایرانی در منا

رئیس مرکز پزشکی حج و زیارت جمعیت هلال احمر از ارائه ۱۵ هزار و ۵۰۰ مورد خدمات درمانی و امدادی به حجاج ایرانی در بیمارستان صحرایی و مکتب‌های مستقر در منا خبر داد. محمدتقی حلی‌ساز گفت: «ارایه خدمات درمانی به بیوفال‌الرحمن در بیمارستان صحرایی و ۹ درمانگاه مرکز پزشکی حج و زیارت هلال احمر در منا در حال انجام است و روز گذشته، ۲۰ مردادماه همزمان با عید سعید قربان در کشور عربستان، ۱۵ هزار و ۵۰۰ مورد انواع خدمات درمانی در بیمارستان صحرایی و درمانگاه‌های این مرکز در منابه حجاج ایرانی ارایه شده است.» رئیس مرکز پزشکی حج و زیارت هلال احمر تعداد ویزیت‌های تخصصی ارایه شده در بیمارستان صحرایی منارا ۲ هزار و ۳۵۰ مورد اعلام کرد و افزود: «در مجموع ۲ هزار و ۷۶۴ مورد ویزیت زائران در مطب‌های مجموعه‌ها ارایه شده است.» حلی‌ساز گفت: «علاوه بر ارایه ۲ هزار و ۳۵۰ مورد خدمات خدمات پرستاری و بالینی نوار قلب، قند خون، فشار خون، تزریقات، پانسمان، سرم سرم تزریقی، گچ گیری، بخیه به زائران، ۲۶ ماموریت در واحد امداد و انتقال برای انتقال بیماران با آمبولانس بیمارستان صحرایی منا و ۱۶۹ مورد ویزیت خدمات پاراکلینیکی شامل آزمایشگاه، سونوگرافی و اکوبه زائران ارایه شده است.»

توجه ویژه به خدمات درمانی

زلزله رودبار به عنوان نخستین حادثه طبیعی و تجربه بزرگ نهادهای امدادی کشور و اولین رخداد پس از انقلاب اسلامی است که ایران برای امداد رسانی به مناطق آسیب دیده درخواست استمداد بین‌المللی می‌کند. تنها دو سال از جنگ تحمیلی گذشته بود و برای نخستین بار پس از پیروزی انقلاب حدود ۵۶ کشور همراه تیم‌های عملیاتی تجهیزات، امکانات و کمک‌های خود را برای زلزله زدگان رودبار ارسال کردند. در این میان برپایی بیمارستان صحرایی توسط کشور آلمان در رودبار، تجربه مناسبی در اختیار نیروهای امدادی هلال احمر در امداد رسانی به آسیب‌دیدگان قرار داد. چرا که شمار آسیب‌دیدگان زلزله رودبار، طارم سفلی و علیا به حدود ۶۱ هزار نفر رسیده بود و همین موضوع امداد رسانی به مصدومان را دشوار می‌کرد. اصغری می‌گوید: «تیم‌های آلمانی یک بیمارستان صحرایی در محوطه زمین‌خاکی شهر رودبار که اکنون بیمارستان ولیعصر (عج) در آن محل ساخته شده راه اندازی کردند. آن روزها هلال احمر ایران توان برپایی بیمارستان صحرایی را نداشت. تجربه زلزله رودبار در حوزه خدمات درمانی به عنوان یکی از مهمترین درس‌های آموخته‌های زلزله، باعث شد هلال احمر توجه ویژه‌ای به حوزه درمان و ارایه خدمات درمانی اضطراری در حوادث بزرگ داشته باشد.» این امدادگر با سابقه هلال احمر که تجربه حضور در حوادث بین‌المللی را نیز در کارنامه دارد از نتایج آن درس آموخته می‌گوید: «امروز امداد نتیجه همان تجربیات و درس آموخته‌ها بود که اکنون تیم‌های درمانی هلال احمر ایران در حوادث داخلی چون زلزله نیم و کرمانشاه و حتی در حوادث بین‌المللی مانند امداد رسانی به آوارگان روئینگیا توان امداد رسانی درمانی را در سطح استانداردهای بین‌المللی دارد.»



امدادگر کهنه کار از درس آموخته‌های زلزله رودبار در سالگرد این حادثه غمبار می‌گوید

نقشه راهی که زلزله ترسیم کرد

شب‌ی که ایران عزادار شد

۳۰ دقیقه بامداد پنجشنبه ۳۱ خرداد سال ۶۹ بود که زلزله مهیب رودبار به وقوع پیوست. نخستین حادثه طبیعی بزرگ بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و در روزهایی که هنوز زخم‌های به جا مانده از جنگ با رژیم بعث تازه بود. اصغری از نخستین لحظات ورود تیم‌های هلال احمر و دیگر نهادهای امدادی به مناطق زلزله زده می‌گوید: از دشواری‌های امداد رسانی به زلزله زدگان به دلیل موقعیت خاص منطقه و وسعت محدوده متاثر از زلزله: «به دلیل برخی مشکلات ژئوفیزیکی حتی تا چند ساعت پس از وقوع زلزله و ورود تیم‌های امدادی به محدوده، هنوز مشخص نبود که زلزله دقیقاً در چه شهرها و مناطقی خرابی به بار آورده است. آن روز به ما اعلام شد در مسیر رسیدن به رودبار، آثار ویرانی زلزله را بررسی کنیم تا عملیات‌های امدادی آغاز شود. صبح بود که به وسیله بالگرد و همراه با مرحوم کاپیتان وحید از تهران به سمت رودبار پرواز کردیم و به منجیل نزدیک شدیم. شدت باد به اندازه‌ای بود که کاپیتان مجبور بود در ارتفاع بسیار زیاد اقدام به پرواز کند و همین موضوع دسترسی هوایی به منطقه را نیز با مشکلاتی روبه‌رو می‌کرد و کمی بعد هم اعلام شد در محل زمین‌فوتبال رودبار امکان فرود بالگردها وجود دارد و بالگردهای یگان‌های ارتش نیز از آن منطقه برای فرود نیروها و تجهیزات امدادی استفاده می‌کردند.» اصغری از وسعت خرابی‌های زلزله مهیب رودبار می‌گوید: «رودبار منطقه ای کوهستانی با روستاهای صعب‌العبور بسیار بود. زلزله همان شب بیش از ۷۰۰ روستای رودبار را تخریب کرد. قدرت زمین لرزه به اندازه‌ای بود که در استان‌های مازندران، قزوین، تهران، مرکزی، همدان، سمنان و... نیز احساس شد. اگرچه زلزله ۷/۳ ریشتری سال ۶۹ به زلزله رودبار معروف است اما از ۳۸ هزار کشته این زلزله، ۹ هزار نفر در استان زنجان و در شهرهای طارم سفلی و طارم علیا جان خود را از دست دادند.»



بهار داشت جایش را به تابستان می‌داد و تنها چند ساعت تا بلندترین روز سال باقی مانده بود. آن شب بزرگ و اسکاتلند در چهار چوب بازی‌های جام جهانی ۱۹۹۰ ایتالیا رو به روی هم صف آرایی کرده بودند. خیلی‌ها در رودبار، منجیل، طارم سفلی و علیا پای جعبه جادویی منتظر پیروزی ستاره‌های آلمانی بوده و بسیاری هم خواب را به نشستن پای تلویزیون ترجیح داده بودند. ۳۰ دقیقه بامداد اما زمین لرزید، رودبار، منجیل، طارم سفلی و طارم علیا در خاموشی کامل فرو رفت و صبح فردا هیچکس از نتیجه بازی دیشب آلمان و اسکاتلند پرس و جو نمی‌کرد. زلزله نیمه شب آمده بود و هدیه اش خواب ابدی برای ساکنان شهر بود. ۳۸ هزار نفر زیر آوار جان داده و غم و اندوه تمام ایران را در بر گرفته بود. با این وجود امدادگران هلال احمر در نخستین ساعات پس از وقوع زلزله در منطقه حاضر شدند تا پس از ارزیابی عمق حادثه امداد رسانی آغاز شود. زلزله رودبار اما به عنوان نخستین حادثه طبیعی بزرگ پس از انقلاب اسلامی نقش مهمی در افزایش کیفیت امداد رسانی در حوادث بعدی داشت. در این گزارش با علی اصغری مشاور دفتر کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در ایران در امور مقابله با مخاطرات که آن روزها به عنوان امدادگر در مناطق زلزله زده حضور داشت درباره درس آموخته‌های زلزله رودبار که بدل به نقشه راه امدادگران هلال احمر در حوادث بعدی شد گفت و گو کردیم.

لزوم توجه به چگونگی اسکان حادثه دیدگان

یکی از مهمترین درس آموخته‌های زلزله رودبار که به عنوان یک راهبر داساسی در حوادث بزرگ بعدی پیش روی نهادهای امدادی و هلال احمر قرار گرفت، مسأله توزیع کانکس در مناطق زلزله زده بود. اصغری در این باره می‌گوید: «در زلزله رودبار مسئولیت خرید کانکس برای اسکان زلزله زدگان به هلال احمر واگذار شده بود. اگر چه واگذاری این مسئولیت به هلال احمر به همان زلزله رودبار محدود می‌شود و تا به امروز تکرار نشده است، اما تجربه مناسبی در اختیار نیروهای امدادی کشور قرار گرفت. هلال احمر آن دوره با جذب کمک از سوی دولت خانه‌های پیش ساخته‌ای خریداری کرد و زلزله زدگان را در همان کانکس‌ها اسکان داد. اما به لحاظ اقلیم خاص رودبار، باد شدید که همواره در منطقه رودبار و منجیل می‌وزد و نیز گرمای تابستان و پاییز امکان استفاده از کانکس‌ها وجود نداشت. در نتیجه بسیاری از زلزله زدگان به همین دلیل و برخی مشکلات به شهرهای اطراف مهاجرت کردند. همین مسأله درس آموخته مهمی برای نهادهای امدادی شد تا در حوادث به اقلیم خاص منطقه برای اسکان آسیب‌دیدگان توجه کنند.»

آموزش را جدی تر گرفتیم

از نگاه امدادگر با سابقه هلال احمر که روزهای سخت امداد رسانی در رودبار را بی‌کم و کاست به خاطر دارد، کمیت و کیفیت آموزش‌های هلال احمر از زمان زلزله رودبار تا زلزله کرمانشاه افزایش چشمگیر داشته است. اصغری از این درس آموخته زلزله رودبار می‌گوید. تجربیاتی که باعث شد هلال احمر توجه جدی‌تری به مسأله آموزش امدادگران در حوزه‌های تخصصی داشته باشد: «یکی از کمبودها و ضعف‌های هلال احمر در آن دوران این بود که تنها آموزش کمک‌های اولیه و امدادگری برای نیروهای داوطلب در نظر گرفته می‌شد. تجربیات زلزله رودبار برای مجموعه هلال احمر یک درس آموخته بزرگ دیگری داشت. اینکه هلال احمر باید آموزش‌هایش را به سمت برگزاری دوره‌های تخصصی سوق بدهد. در نتیجه همان درس آموخته‌هاست که اکنون در هلال احمر یک معاونت به صورت مستقل برای موضوع مهم آموزش در نظر گرفته شده است. همچنین در زلزله رودبار نیروهای عملیاتی تنها با عنوان تیم امداد در مناطق حضور داشته‌اند اما اکنون ۱۳ تیم تخصصی در رشته‌های مختلف امداد و نجات در هلال احمر آماده‌اند تا حوادث مختلف را پوشش بدهند.» و درس آموخته دیگری که از زمان زلزله رودبار باعث شد به تدریج تغییرات مهمی در هلال احمر برای پوشش بهتر حوادث ایجاد شود، تغییر معاونت امداد به سازمان امداد و نجات بود. اصغری می‌گوید: «پس از زلزله رودبار و تأکید بر این موضوع که ایران یکی از پر حادثه‌ترین کشورهای جهان به ویژه در حادثه‌ای مانند زلزله محسوب می‌شود، مسئولان هلال احمر به این نتیجه رسیدند که در صورت تکرار چنین حادثه بزرگی معاونت امداد که آن زمان تنها یک اداره کل داشت نمی‌تواند پاسخگو باشد. پس از زلزله رودبار بود که سازمان امداد و نجات به تدریج شکل گرفت تا هلال احمر آمادگی بیشتری در پاسخگویی به حوادث داشته باشد.»

گپ

درس‌هایی که از سیل گلستان گرفتیم

اسیدر رحیم‌میر کریمی |
معاون امداد و نجات استان گلستان |



بهار امسال بود که سیل خسارت‌های زیادی در کمیشان، آق‌قلا، گنبد کاووس و روستاهای اطراف آنها به بار آورد. شهرها و روستاهای بسیاری به زیر آب رفت و هلال احمر با برپایی اردوگاه‌های اسکان اضطراری به خانواده‌های سیل‌زده این استان خدمات رسانی کرد. اما با توجه به وسعت مناطقی که درگیر سیل شدند و نیز شرایط خاص سیل گلستان که تا مدت‌ها مناطق شهری را به زیر آب برده بود، این حادثه درس آموخته‌های بسیاری برای تیم‌های امدادی هلال احمر داشت. سید رحیم‌میر کریمی معاون امداد و نجات هلال احمر استان گلستان درباره لزوم همخوانی امکانات و تجهیزات هر استان با حوادث غالبی که در آن استان رخ می‌دهد به عنوان یکی از نخستین درس آموخته‌های سیل گلستان می‌گوید: «سیل آق‌قلا و کمیشان، شرایط خاصی داشت. آب خیابان‌ها و کوچه‌ها را تا مدت‌ها در خود فرو برده بود و همین مسأله امداد رسانی به برخی مناطق را دشوار می‌کرد. در این شرایط خودروهایی که در اختیار استان گلستان است تناسب زیادی با نوع حادثه نداشته و در نتیجه با خودروهایی که در اختیار استان است، امکان تردد در بسیاری از مناطق را نداشتیم. اگرچه خودروهایی که از هلال احمر دیگر استان‌ها و نیز دیگر نهادهای امدادی وارد منطقه شدند خللی در کار ایجاد نکرد اما با توجه به سیل خیز بودن استان گلستان و نیز نوع خاص سیلاب، باید تجهیزات و امکانات خود استان برای پاسخگویی به نوع حوادث غالبی که در استان رخ می‌دهد، همخوانی بیشتری داشته باشند.» میر کریمی تعامل و همکاری بیشتر میان معاونت داوطلبان، معاونت امداد و نجات و معاونت پشتیبانی در موضوع ساماندهی کمک‌های غیر نقدی مردمی را یکی از دیگر درس آموخته‌های سیل می‌داند و می‌گوید: «در سازمان امداد و نجات بسته‌های یک ماهه و ۷۲ ساعته برای توزیع میان حادثه‌دیدگان آماده است، اما کمک‌های مردمی باید تا حد امکان شبیه به کمک‌های خود سازمان شود البته با برچسب کمک‌های مردمی. نتیجه این کار اعتماد بیشتر مردم به هلال احمر و نیز ساماندهی مناسب تر کمک‌ها است.» در سیل گلستان بیش از ۱۸ هزار نفر در اردوگاه‌های اسکان اضطراری که در مناطق سیل زده برپا شد اسکان داده شده و اقلام امدادی در اختیار خانوارهای سیل زده قرار گرفت. میر کریمی اما از درس آموخته دیگر سیل گلستان حرف می‌زند. مسأله‌ای که نیازمند توجه مسئولان هلال احمر است تا در هنگام وقوع حوادث دیگر، آمادگی لازم برای امداد رسانی و اسکان حادثه‌دیدگان وجود داشته باشد: «سیل در فصل بهار رخ داد و هنوز هوا در مناطق سیل زده گرم نشده بود. اگر سیل در فصل تابستان رخ می‌داد، با توجه به گرمای منطقه، لازم بود تجهیزات سرمایشی مناسب در اختیار سیل‌زدگان قرار بگیرد. این در حالی است که لوازم سرمایشی مانند پنکه در فهرست ۲۲ قلم امدادی وجود ندارد.»